



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الآغانی ابوالفرج اصفهانی (قرن چهارم هجری قمری) کتاب
بسیار مهمی از لحاظ شناخت فرهنگ عربی (و ایرانی) است که به یک قرن پیش از اسلام و سه قرن پس از آن اختصاص دارد. مؤلف که اهل ادب و هنر و تاریخ بود و از بهترین نویسندگان و محققان عصر رنسانس اسلامی است، سرودها و تصنیفهای مشهوری که طی زمان مورد بحث خوانده شده با شرح حال خواننده و آهنگساز و شاعر، و نیز امیر و وزیر یا خلیفه‌ای که برای وی یا به سفارش وی، آن تصنیف و سرود خوانده شده است، و همچنین آهنگ موسیقایی آن سرود و تصنیف را نقل می‌کند و طی بیست و چهار یا پنج جلد

کتاب اطلاعات دست اولی از اوضاع فرهنگی و اجتماعی دوره جاهلیت و صدر اسلام و دوره اموی و اوایل عباسیان عرضه می‌دارد، همچنان که مطالب بکری درباره تاریخ ایران دارد که در مظان دیگر یافت نمی‌گردد.

ویراستار فاضل با مراجعه به کتب متعدد و متنوع در شرح حال ابوالفرج اصفهانی و آنچه درباره **الآغانی** نوشته شده و همچنین با نگاه به ترجمه مرحوم دکتر مشایخ فریدنی از کتاب **الآغانی** و نیز با ملاحظه جهات اخلاقی و دینی، خلاصه‌ای شایان توجه از ترجمه حکایات زیبای **الآغانی** ترتیب داده است که جوانان را به کار آید و

فصل و بررسی

کتاب ماه ادبیات و فلسفه، نورددین، ۱۳۸۳



شوریه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
امع علوم انسانی

علیرضا ذکاوتی فراگزین

اشتیاقشان را به ملاحظه ترجمه کامل الاغانی یا آن اندازه که به فارسی هست بیفزاید. بدیهی است به بحث سودمندی درباره «غنا» پرداخته و مشخصاً نشان داده که غنا و لهر و لعب، به دلخواه سردمداران هوسباز اموی و عباسی و نتیجه غارتها و ثروت‌های بی حد و حسابی بوده که از سرزمینهای گشوده شده به دست مدعیان بی لیاقت جانشینی پیغمبر (ص) (امویان و عباسیان و عمال آنها) می رسیده است (رک: مقدمه کتاب).

ارزش تاریخی نوشته ابوالفرج از آن جهت است که خود از تبار امویان بوده و هرچه درباره آنان نوشته و امثال ولید و یزید را به فسق



چراغ راه بینداری

و فجور معرفی نموده سندیت دارد. بجاست که ویراستار محترم خلاصه متناسبی نیز از **مقاتل الطالبیین** ابوالفرج به فارسی تهیه نمایند و در همین مجموعه منتشر گردد. توفیق مؤسسه اهل قلم و نیز جناب اکبر ایرانی بازنویس دانشور و بصیر این کتاب را خواهانیم.

مجموعه کتابهایی که با عنوان «کارنامه دانشوران ایران و اسلام» به همت مؤسسه فرهنگی اهل قلم منتشر می‌شود، در مجموع خواننده متوسط الحال و جوان فارسی زبان را با میراث گذشته اسلامی ایرانیان آشنا می‌سازد و بر روی هم بسیار ضروری و سودمند بوده است.

مصباح الشریعه** مجموعه احادیث اخلاقی و عرفانی منسوب به امام صادق (ع) است که طبق نظر مرحوم استاد مطهری شامل آموزشهای فضیلت عیاض از حضرت صادق (ع) است. بعضی علمای پیشین همچون محمد تقی مجلسی صحت انتساب کتاب را به امام ششم تأیید نموده‌اند (مقدمه، ص ۱۰ و ۱۱) و بعضی انتساب آن را رد کرده‌اند (مثلاً شیخ حر عاملی، ص ۱۰ مقدمه). آنچه هست در مورد احادیث اخلاقی حکم تسامح در ادله سنن جاری است و دقتی که در احادیث احکام به کار می‌رود در این مورد لازم نیست. همچنان که محمدباقر مجلسی در **عین الحیوة** به احادیث مشابهی استناد نموده با آنکه خود مشرب ضد تصوف دارد.

باری از **مصباح الشریعه** ترجمه و شرحهایی باقی است که ویراستار محترم مجموعه، چهل باب از **صدباب مصباح الشریعه** را انتخاب و از ترجمه و شرح حسن مصطفوی و شرح عبدالرزاق گیلانی استفاده نموده و به «زبانی متناسب با مخاطبان جوان» تحریر و تقریر نموده و در آخر هر باب شعری مناسب حال از حافظ نیز

آورده است. بانقل ترجمه حدیث ۲۹ این معرفی مختصر را به پایان می‌بریم:

«امام صادق (ع) فرمود: کسی که از خیالات نفسانی خارج نشده و از آفات نفس و شهوات آن رهایی نیافته و شیطان را دور نساخته و در پناه حمایت خداوند وارد نشده و به عصمت الهی امنیت نیافته، هرگز صلاحیت امر به معروف و نهی از منکر کردن را ندارد. زیرا او چون واجد شرایط لازم نیست پس هر کاری که بکند حجتی علیه خود او خواهد بود و مردم هم از امر به معروف و نهی از منکر او سودی نمی‌برند» (۱۲۹).

توفیق مؤسسه اهل قلم را خواهانیم و جوانان را به ملاحظه این اثر اخلاقی مفید توصیه می‌نمایم.

مجموعه خواندنی و پر مطلبی است در باره سهروردی و فلسفه



با دکتر سیدجعفر سجادی (صص ۲۹۱-۲۷۹) شیرین و متین است و سیر آشنایی مترجم حکمت الاشراق به فارسی را با سهروردی بازگو می نماید. مقاله «شعوبیان در چهار سده اخیر» نوشته علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انعکاس حکمت اشراق را در نحله های متأخر (دساتیری، نقطوی، آذر کیوانی، خفشانی، بابی...) ارائه می نماید؛ مبحثی که در ملل و نحل به کلی تازه و گام اولین است. مقاله دکتر شهرام پازوکی: «شرق سهروردی و غرب هیدگر» از دیدگاهی معاصر جایگاه فلسفه سهروردی را می نگرد، همچنان که در مقاله دکتر حسن ملکشاهی نیز به مناسبت اندیشه اشراقی و چشم انداز هگلی اشاره شده است (ص ۵۵).

تنها نکته ای که بر مجموعه حاضر می توان گرفت اغلاط فراوان چاپی است که مع الاسف هیچ کتاب فارسی به کلی از آن در امان نیست. ان شاء الله اگر قرار بر چاپ دوم شد این نقیصه را رفع خواهند کرد. ما ملاحظه این مجموعه را به خوانندگان فارسی زبان که مستقیماً نمی توانند از آثار عربی سهروردی استقبال کنند توصیه می کنیم و توفیق دو ویراستار فاضل را خواهانیم.

پانوشتها:

- * **بشنو شمیم عود** (بازنویسی الاغانی ابوالفرج اصفهانی) به کوشش اکبر ایرانی، مؤسسه اهل قلم، ۱۳۸۱.
- ** **چراغ راه دینداری** (تلخیص و بازنویسی مصباح الشریعه) به کوشش علیرضا مختارپور، اهل قلم، ۱۳۸۳.
- *** **نامه سهروردی** به کوشش علی اصغر محمدخانی، حسن سیدعرب، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲، ۵۳۶ ص.

به معنی وسیع آن که هم شامل بعضی مقالات قدیمی محمد است (مانند مقاله هانری کریز و دیگران) و هم مقالات جدیدی که کمال من در وضع فعلی از مجموعه مقالات کنگره سهروردی که تبلیغات و سروصدای زیاد منتشر شد برای خواننده فارسی زبان سودمندتر است. زیرا مقالات ما دید و نظری کارشناسانه به قلم آمده است. فی السبل مقاله سیدعبدالله فاطمی نیا تحت عنوان «شیخ اشراق در قام همت» بالحن علمی و آرام نه تنها کتاب سیدمحمد کاظم امام را نقد می کند، بلکه این تصور را که سهروردی بر ضد اسلام و قرآن قلم زده به کلی نفی می نماید و این شبهه ای است که به هر حال می بایست رفع می شد.

مقاله دکتر پورجوادی با عنوان «نورسکینه در فلسفه اشراق سهروردی» با دقت تمام، مواردی را که کلمه «سکینه» در قرآن و در آثار سهروردی آمده با عنایت به کلمه «شخینا» عربی که مورد توجه مستشرقان است در معرض دید خواننده قرار داده است. گفت و گو